نگاهی به تکرار ادعاهای واهی علیه تمامیت ارضی ایران در نشست کشورهای عربی با ژاپن و ارزیابی این تحرکات تقابلی علیه حقوق تاریخی و ملی کشور

موتیف ضد ایرانی

کنعانی: ادعاهای بیانیه مشترک عربی-ژاپنی فاقد هرگونه ارزش سیاسی و حقوقی و مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل در احترام به تمامیت ارضی کشورهاست

عبدالرحمن فتح‌الهی: بعد از چینی‌ها و روس‌ها در همراهی و همسویی با ادعای امارات متحده عربی و شورای همکاری خلیج فارس درخصوص مالکیت بر جزایر ایرانی این‌بار قرعه به نام ژاپنی‌ها افتاد تا توکیو هم این موتیف ضد ایرانی را تکرار کند. چهارشنبه هفته گذشته نشست گفت‌وگوی سیاسی کشورهای عربی و ژاپن در سومین دوره خود در دبیرخانه اتحادیه عرب در قاهره برگزار شد که ریاست طرف عربی را سامح شکری، وزیر امور خارجه مصر و ریاست طرف ژاپنی را یوشیماسا هایاشی، وزیر خارجه ژاپن بر عهده داشت. در این نشست، وزرای خارجه و رؤسای هیئت‌های کشورهای عربی و احمد ابو الغیط، دبیر کل اتحادیه عرب شرکت کردند.

در بیانیه پایانی این نشست مشترک ژاپنی - عربی که در سطح وزرای امور خارجه برگزار شده بود، ادعاهای ضد ایرانی متنوعی از موضوع میدان گازی آرش تا عدم دخالت در امور کشورهای منطقه، فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان و نیز تکرار ادعای واهی حق مالکیت ابوظبی بر جزایر سه‌گانه به میان آمد. چنان‌که در بیانیه مذکور قید شده است: «تعهد ایران مبنی بر عدم تخطی از میزان اورانیوم غنی‌شده مورد نیاز برای استفاده صلح‌آمیز و همچنین ضرورت اجرای وظایفش و همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اهمیت دارد». بیانیه مشترک عربی - ژاپنی مجددا به برنامه هسته‌ای ایران گریزی می‌زند و از همکاری و رسیدگی مؤثر به این پرونده (پرونده اتمی ایران) می‌گوید. در ادامه اعضا بر ضرورت شراکت در تمامی مذاکرات منطقه‌ای و بین‌المللی، گفت‌وگوها و دیدارها در این زمینه تأکید کردند. در بیانیه مشترک آمده است که «مذاکرات به‌علاوه برنامه هسته‌ای ایران باید شامل تمامی مسائل امنیتی و نگرانی‌های کشورهای حوزه خلیج (خلیج فارس) بشوند؛ به گونه‌ای که در چارچوب احترام‌گذاری به حاکمیت، سیاست‌های همسایگی خوب و تعهد به قطع‌نامه‌های سازمان ملل جهت تقویت ثبات و امنیت منطقه‌ای و جهانی، به حصول اهداف و منافع مشترک کمک کند». در بخش دیگری از اهمیت حفظ امنیت دریایی در آبراه‌های منطقه و مقابله با هرگونه تهدیدی که ممکن است خطوط کشتی‌رانی، تجارت بین‌المللی و تأسیسات نفتی در کشورهای شورا را به خطر بیندازد، سخن به میان آمد. این بیانیه با مانور روی دیگر ادعاهای ضد ایرانی به اتهاماتی نظیر دخالت تهران در امور همسایگان و مشخصا بحرین اشاره دارد و بیان داشته «مطابق با منشور سازمان ملل که خواستار همسایگی خوب و عدم دخالت در امور داخلی کشورهاست، بیانیه سخنگوی وزارت خارجه ایران مبنی بر شرایط زندانیان در بحرین محکوم است و از تهران می‌خواهد که تحقیقات دقیقی انجام دهد و به اطلاعات غلط بسنده نکند». بیانیه مشترک در ادامه با ادبیاتی غیرسازنده و نسبتا تند، تهران را خطاب قرار می‌دهد و مدعی مالکیت امارات بر سر سه جزیره تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی شده و با استفاده از ادبیاتی تقابلی حتی از کلماتی نظیر «اشغال» این جزیره‌ها توسط ایران استفاده کرده و اصطلاحا اشغال جزایر سه‌گانه را را محکوم کرده است. بیانیه در ادامه اعتبار هرگونه اقدام از سوی ایران در این جزایر را پوچ و تهی دانسته و ادعا کرده که این اقدامات هیچ تأثیری بر حاکمیت امارات بر این سه جزیره ندارد. این وزرا از ایران خواستند تا این مسئله را یا از طریق مذاکرات مستقیم با امارات حل‌وفصل کند یا آن را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهند داد.

واکنش تهران

بدیهی بود که این بیانیه مشترک عربی - ژاپنی با این ادبیات ضد ایرانی و تکرار ادعاهای واهی با واکنش تهران مواجه شود. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، عصر روز پنجشنبه ۱۶ شهریور در واکنش به بیانیه مشترک سومین نشست گفت‌وگوهای سیاسی عربی-ژاپنی در قاهره که در آن به موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی اشاره شده، بر مالکیت ابدی ایران بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک تاکید کرد و این جزایر را جزء لاینفک خاک جمهوری اسلامی ایران دانست. ازاین‌رو به گفته کنعانی، ادعاهای بیانیه مشترک عربی - ژاپنی فاقد هرگونه ارزش سیاسی و حقوقی است. وی پرداختن به جزایر سه‌گانه ایرانی در بیانیه مذکور را قاطعانه رد کرد و آن را مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل از جمله اصل عدم دخالت در امور داخلی و احترام به تمامیت ارضی کشورها دانست.

سخنگوی دستگاه سیاست خارجی پرداختن به جزایر سه‌گانه ایرانی در بیانیه مذکور را قاطعانه رد کرد که مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل از جمله اصل عدم دخالت در امور داخلی و احترام به تمامیت ارضی کشورهاست.

افزون بر گفته‌های کنعانی، اخیرا علی‌اصغر خاجی، دستیار وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، درباره میدان گازی آرش تأکید کرده بود که «مرزهایمان با عربستان را ترسیم کردیم و این مرزها واضح‌اند. به همین دلیل هیچ اختلافی با طرف سعودی در این خصوص نداریم. مشخص‌کردن مرزهای دریایی میان ایران، عربستان و کویت همواره مطرح بوده است و این مسئله پیچیده نیست و با توجه به حسن نیتی که مسئولان ایرانی ابراز کردند و روابط خوبی که با کویت داریم قابل حل است».

ایسنا به نقل ازعلی‌اصغر خاجی این را هم بیان کرد که «با همکاری با دوستان کویتی و با توجه به قوانین بین‌المللی و وضعیت تاریخی دو کشور می‌توانیم مسئله میدان گازی آرش را حل کنیم. نگران این نیستم که میدان گازی آرش منجر به مشکلاتی بین ما و کویت شود. مشکلات میدان گازی آرش را می‌توان به صورت مسالمت‌آمیز حل کرد و در سال‌های گذشته تا به امروز مذاکرات فنی متعددی با کویتی‌ها انجام داده‌ایم. نه ما به خاک کویت طمع داریم و نه کویتی‌ها به خاک ما طمع دارند. ما نسبت به حل مشکل میدان گازی آرش به دور از فضاسازی‌های منفی رسانه‌ای خوش‌بین هستیم». به موازات مواضع خاجی، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه هم در نشست خبری اخیر خود اشاره کرده بود که «ما موضوع میدان نفتی آرش را حقوقی و فنی می‌دانیم. ما هم به حقوق ملت ایران در ارتباط با این میدان نفتی تأکید و اعلام کرده‌ایم که در چارچوب گفت‌وگوهای فنی، تخصصی و حقوقی آمادگی گفت‌وگو با طرف کویتی را داریم. وزیر محترم نفت نیز در این زمینه توضیح دادند و مواضع و دیدگاه‌های دستگاه دیپلماسی هم در همین چارچوب بیان شده است. جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند است که این موضوع را در چارچوب تخصصی، فنی و حقوقی و خارج از فضای رسانه‌ای، با آرامش و در چارچوب مناسبات همسایگی با کشور کویت پیش ببرد».

راه‌حل، تغییر نگاه امنیتی به اقتصادی

با توجه به آنچه گفته شد، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در گفت‌وگویش با «شرق» از دو کلان نگاه سلبی و ایجابی به تحلیل و بررسی بیانیه مشترک ژاپنی - عربی قاهره و تکرار مواضع ضد ایرانی به‌خصوص ادعای مالکیت امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه می‌پردازد. رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم ذیل نگاه سلبی خود به بخشی از مصاحبه قبلی‌اش با «شرق» بازمی‌گردد و مجددا تکرار می‌کند که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و مشخصا امارات متحده عربی سعی دارند با یارکشی سیاسی و دیپلماتیک از طریق همراه‌کردن کشورهایی مانند روسیه، چین، ژاپن و...، عملا وزن چانه‌زنی خود را برای اثبات ادعای واهی مالکیت بر جزایر سه‌گانه ایرانی بالا ببرند.

نماینده ادوار مجلس در ادامه ارزیابی خود این هشدار را هم دوباره مطرح می‌کند که ابوظبی در تلاش است از ظرفیت همه کشورهای عضو سازمان ملل بر سر ادعای مالکیت در قبال جزایر سه‌گانه و به‌خصوص جزیره ابوموسی در قالب رأی مشورتی شورای امنیت با تمسک به «بند اول ماده ۹۶» و «بند دوم ماده ۹۴ منشور ملل متحد» استفاده کند. چون از منظر تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی «اماراتی‌ها با توجه به شرایط موجود بسیار خوب می‌دانند که تهران با تداوم سیاست خارجی فعلی یک چالش مضاعف را با بیشتر جامعه جهانی و به‌ویژه غربی‌ها در پیش‌رو دارد و این مسئله باعث شکل‌گیری اختلافات و گسل جدی بین ایران و سه عضو دائم دیگر شورای امنیت یعنی آمریکا، فرانسه و انگلیس شده است که فعلا زمینه مشخصی هم برای تنش‌زدایی با واشنگتن، پاریس و لندن دیده نمی‌شود». ازاین‌رو فلاحت‌پیشه تأکید دارد «ابوظبی در تکاپو است که به هر نحو ممکن پکن، مسکو، توکیو و... را هم کنار واشنگتن، لندن و پاریس قرار دهد تا شورای امنیت به موضوع جزایر سه‌گانه ورود کند». در راستای گفته‌های فلاحت‌پیشه، صالح ذوالقدر هم دیگر کارشناسی بود که در گپ‌وگفت خود با «شرق»، ضمن اذعان به ارزیابی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم، این هشدار را می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با توییت‌زدن‌های کنعانی یا دادن بیانیه، صرفا به دنبال نادیده‌گرفتن روند دیپلماتیک خطرناکی است که از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و مشخصا امارات متحده عربی در سال‌های اخیر علیه تهران و جزایر سه‌گانه در دستور کار قرار گرفته است. این تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه در تأیید گفته‌های خود به بخشی کلیدی از بیانیه قاهره رجوع می‌کند که از ایران خواسته بود تا مالکیت جزایر سه‌گانه را یا از طریق مذاکرات مستقیم با امارات حل‌وفصل کند یا آن را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهند داد. ذوالقدر ذکر همین تک جمله را دال بر آن می‌داند که امارات متحده عربی با استفاده از ظرفیت شورای همکاری خلیج فارس از طریق نشست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با بازیگرانی مانند روسیه، چین، ژاپن و... به دنبال آن است که دعاوی حقوقی علیه تهران را در دیوان بین‌المللی دادگستری به راه بیندازد یا در سناریوی دیگری، موضوع را از طریق شورای امنیت پیگیری کند. به‌همین‌دلیل این تحلیلگر حوزه بین‌الملل، مسئله را مهم‌تر، پیچیده‌تر و حساس‌تر از آن می‌داند که بتوان با توییت‌زدن یا بیانیه‌دادن کنعانی، امیرعبداللهیان و دیگر مقامات وزارت امور خارجه دست به مقابله به مثل جدی با ابوظبی زد؛ چراکه به نظر ذوالقدر، در سال‌های اخیر امارات متحده عربی علاوه بر تکرار ادعاهای واهی خود در قبال جزایر سه‌گانه ایرانی سعی دارد ادعای دورغین مالکیت خود را بسط و گسترش بیشتری بدهد. به‌همین‌دلیل باید موضوع را جدی تلقی کرد. در همین زمینه حشمت‌الله فلاحت‌پیشه هم قبل‌تر عنوان کرده بود که طرح و نقشه اماراتی‌ها در قبال جزایر سه‌گانه عوض شده است و سعی دارند از بند اول ماده ۹۶ منشور ملل متحد استفاده کنند که طبق این بند، شورای امنیت سازمان ملل یا مجمع عمومی سازمان ملل می‌توانند از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست رأی مشورتی کنند و به باور این نماینده ادوار، چون امارات به این ارزیابی رسیده است که شرایط فعلی دیپلماسی جهانی با همین روند ادامه پیدا خواهد کرد، سعی دارد چنین چشم‌اندازی را برای خود تعریف کند تا در ادامه، زمینه و فضا برای استفاده از رأی مشورتی در قالب شورای امنیت و مجمع عمومی و دادگاه لاهه شکل بگیرد و یک هجمه سنگین دیپلماتیک علیه ایران به وجود آید. با ذکر این نکات، رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی این نکته مهم را به «شرق» می‌گوید «تا زمانی که دو طرف ایرانی و اماراتی راضی و حاضر نباشند، دیوان صلاحیت ورود مستقیم به موضوع را ندارد» و چون فلاحت‌پیشه تأکید دارد که ایران هیچ‌گاه چنین کاری نمی‌کند و موضوع را یک موضوع داخلی و حق حاکمیت سرزمینی خود می‌داند که نهایتا طرف اماراتی می‌تواند با ایران وارد گفت‌وگو شود و به تبع آن، امکان ارجاع دوطرفه این پرونده وجود ندارد؛ پس امارات تلاش دارد با شکل‌دادن یک میان‌بر سیاسی، دیپلماتیک و حقوقی از بند ۱ ماده ۹۶ منشور ملل متحد استفاده کند تا با استفاده از ظرفیت شورای امنیت و سازمان ملل برای گرفتن رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری استفاده کند. باوجوداین حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در ادامه گپ‌وگفت خود با «شرق» علاوه بر نگاه سلبی و هشدارآمیزش، کلان‌نگاهی ایجابی هم دارد که محوریتش همان توییت روز جمعه اوست. این نماینده ادوار مجلس در مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس یا توییتر سابق عنوان کرده بود که «بیهوده‌سازی بیانیه‌ها یک راه‌حل دارد: شرکت سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران به مأموریت‌های تفریحی خود پایان داده و مسئول ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و توریستی جزایر و بهره‌برداری از آرش شود تا از ثروت عظیم خارجی کشور چیزی عاید منافع ملی شود». تحلیلگر مسائل بین‌الملل در تبیین و تشریح بیشتر این توییت خود به «شرق» از تحرک بیشتر Iran Foreign Investments Company (IFIC) یا شرکت سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران می‌گوید که می‌تواند راه‌حل اساسی در مقابله با بیانیه‌های تکراری عربی علیه تمامیت ارضی ایران باشد؛ بنابراین فلاحت‌پیشه معتقد است که در گام نخست باید شاهد تغییر نگاه تهران در قبال جزایر سه‌گانه و جایگزین‌کردن آن با نگاه اقتصادمحور و تجاری باشیم. به باور او اگر این تغییر نگاه شکل بگیرد، در گام دوم جمهوری اسلامی ایران باید به سمت افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و برقراری یک نگاه اقتصادمحور و تجاری در جزایر سه‌گانه از طریق IFIC حرکت کند که به تبع آن می‌توان به تنش‌ها با ابوظبی بر سر حاکمیت ایران درباره این جزایر پایان داد. به گفته این استاد دانشگاه باید شرکت سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران، برنامه‌ای جدی در این زمینه اجرا کند تا در ادامه همین نگاه اقتصادمحور از طریق IFIC در قبال میدان گازی آرش هم در دستور کار قرار بگیرد که بتوان بر سر مناقشات و اختلافات با طرف عربستانی و کویتی هم نقطه پایان گذاشت.

با انتشار سومین نامه‌خطاب به سران قوا، نمایندگان مجلس و اعضای هیئت عالی مولدسازی صورت گرفت

تأکید دوباره توکلی بر ضرورت رد کامل مصوبه مولدسازی

سران محترم قوا و اعضای محترم هیئت عالی مولدسازی
هیئت‌رئیسه محترم کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه در مجلس
نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم؛ در چند ماه اخیر، این‌جانب احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس هیئت‌مدیره سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت، دو نامه سرگشاده نوشتم. در اولی سران قوا مخاطب بودند؛ و در دومی، علاوه بر آنها، خطاب به شما نیز مطالب مهمی تقدیم شده بود. این نامه‌ها پیرامون مصوبه موسوم به مولدسازی اموال دولت (ازاین‌پس، مصوبه) بود، که از آن، لطمات و خطرات سنگینی متوجه جمهوری اسلامی می‌گردد. نقض گسترده حقوق ملت و حقوق نمایندگان، حقوقی که نمایندگان، خودشان نیز حق چشم‌پوشی از آنها را ندارند؛ لگدکوب‌کردن اصیل‌ترین حق در قضای اسلام و همه نظام‌های حقوقی امروز جهان، یعنی حق دادخواهی؛ سلب حق نظارت مردم و منع حق و تکلیف نظارت نمایندگان و تمامی سازمان‌های نظارتی؛ لگدمال‌کردن بیش از یکصد اصل و حکم از اصول قانون اساسی و از احکام قوانین مالی مادر و ایجاد بستر فساد قانونی گسترده. متأسفانه آن دو نامه در روند غیرقانونی و معارض با سلامت سیستم، تأثیری نگذاشت و همان‌ها را در موادی از لایحه برنامه هفتم گنجانده‌اند.

در نامه سوم که همین نوشته است، توجه شما را به وضعیت بحرانی مسکن و ارتباطش با این مصوبه جلب می‌کنم. در این چند سال تحت تأثیر سیاست‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول، از جمله: سیاست شکست‌خورده و مهلک ارزی آن؛ رهاساختن سیاست‌گذاری در امر زمین و مسکن و سپردن آن به بازار غیررقابتی با عوامل آزمند و بی‌رحم؛ و سیاست‌های نادرست و نامتعادل مالیاتی، به زیان مصرف‌کنندگان مسکن و به نفع سوداگران بازار زمین و مسکن؛ امروز وضعیت چنان شده که اکثریت قریب به اتفاق مستأجران را مستأصل و زمین‌گیر کرده و خرید مسکن را تقریبا برای اکثریت قاطع جوانان و خانواده‌های متوسط و مستضعف ناممکن ساخته است. گرچه ارز نقطه آغاز... است که من در نامه قبل به آن اشاره کرده‌ام؛ ولی اهمیت آن در حدی است که نباید به صورت حاشیه به آن بپردازیم و به‌زودی ویرایش سوم این موضوع که حاصل مطالعات جدید است به اطلاع عموم عرضه خواهد شد. کانون توجه این نامه این است که به نمایندگان محترم هشدار داده شود که نگذارید فرصت تاریخی برای حل مشکل مسکن را از دست دهیم و درصدد ارائه طرح جامعی برای حل این مشکل و مشکلات دیگر نیستیم. این بدان معنا نیست که ما در نامه خود پیشنهاد نمی‌دهیم؛ ولی کانون تمام پیشنهادها حفظ آن فرصت است و اینکه نشان دهیم بدترین دشمن مستضعفان و حکومت ازجمله در خانه‌دارشدن مردم، فساد است. تورم در بخش زمین و مسکن به طرز وحشتناکی از تحمل مردم خارج شده است. براساس گزارش بانک مرکزی بحران ارزی سال‌های ۹۷-۹۸ میانگین قیمت یک مترمربع واحد مسکونی در تهران را ۹۱ درصد افزایش داد. مشابه این اتفاق در سال ۱۴۰۱ پس از جهش قیمت ارز افتاد و متوسط قیمت هر مترمربع مسکن در تهران را از ۳۵ میلیون تومان با افزایش ۸۸ درصدی به ۶۶ میلیون تومان رساند! میانگین سهم ارزش زمین در قیمت مسکن در دوره ۱۳۷۲-۱۴۰۰ تقریبا ۶۰ درصد بوده است که بیشترین سهم با ۸۱ درصد مربوط به ۱۳۸۲ و کمترین با ۴۳ درصد متعلق به سال ۱۳۹۲ بوده است. به نظر می‌رسد علت سیر نزولی این متغیر در آن ۱۰ سال، اجرای سیاست مسکن مهر و عرضه گسترده و بسیار ارزان زمین بوده است. حذف ارزش زمین از قیمت مسکن توصیه‌ای علمی متکی بر پژوهشی در دانشگاه علم و صنعت با راهنمایی دکتر محمد خوش‌چهره، صورت گرفت و مبنای تصمیم رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد در طرح مسکن مهر بود. طبیعی بود این طرح درمانگر نباشد؛ ولی توانست التیامی در امر مسکن باشد. اگر در اجرای مسکن مهر تصمیمات شتاب‌زده در کار نبود، موفقیت بیشتر می‌شد. ارقام فوق‌الذکر وضعیت وخیم مسکن را منعکس می‌کند. امروز به اینجا رسیده‌ایم که اگر فردی با حداقل حقوق، بتواند یک‌سوم حقوق خود را ماهانه پس‌انداز کند، دوره انتظار او برای خانه‌دارشدن ۱۳۵ سال به درازا می‌کشد. اشتباه نخوانده‌اید: یک‌صدو سی‌وپنج سال...! یعنی جز اغنیا، امید خانه‌دار شدن برای کسی باقی نمی‌ماند. این در حالی است که مدت انتظار در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۹۴ به ترتیب ۱۲ و ۳۱ سال بود. در چنین وضعیتی، مصوبه، با محور زمین‌فروشی، ساخته و پرداخته می‌شود. دعوی این نامه، این است که اگر دولت زیر بار اجرای مصوبه برود، خود را در جنگ با بی‌خانمانی، خلع سلاح ساخته و شاید مجبور شود فاتحه خانه‌دارشدن مردم و خدای ناخواسته، فاتحه خودش را یکجا بخواند! این بدان معنی نیست که راه‌حلی وجود ندارد. هنوز راه انجام وظیفه دولت در تأمین مسکن، با بسته‌ای از سیاست‌های سازگار، گشودنی است. البته همه چیز به تغییر بینش و منش حکمرانان و برخی از روش‌های حکمرانی بستگی دارد. عنصر محوری بسته سیاستی حل این معضل خانمان‌سوز، آن است که بپذیرند زمین ابزار سیاست‌گذاری است، نه مال‌التجاره. مال‌التجاره‌کردن زمین، علاوه بر اینکه اهداف مصوبه را تأمین نمی‌کند؛ بلکه گران‌فروشی زمین، چه دولتی، چه خصوصی را برمی‌انگیزد. و این یعنی تعمیق ناامیدی. گرانی وحشتناک هر مترمربع ساختمان و در پی آن گران‌شدن هزینه ساخت و اجاره‌بها، بیش از همه، از گرانی زمین و سهم بالای آن در قیمت تمام‌شده مسکن متأثر است. درست همان چیزی که می‌تواند نقطه قوت دولت باشد. هرچه سهم زمین، بالاتر و قیمت هر واحد آن، افزون‌تر باشد، حذف ارزش آن از قیمت تمام‌شده، در کاهش قیمت هر واحد مسکن عرضه‌شده در بازار، بیشتر خواهد بود. دولت چه ابزاری جز زمین خدادادی رایگان و اجازه دخالت در بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها، در اختیار دارد که بتواند به وسیله آن قیمت تمام‌شده مسکن را کاهش دهد و مردم را از بی‌خانمانی برهاند؟ زمین، دارایی طبیعی و منحصربه‌فرد است و رایگان در اختیار دولت قرار دارد. دولت تاجر نیست که آن را خریده باشد و آن را مال‌التجاره خود بداند و بخواهد آن را به بالاترین قیمت بفروشد. وقتی قانون اساسی تأمین مسکن را از ضروریات قطعی هر زندگی معمولی می‌شمارد؛ علی‌القاعده باید ابزار تعقیب این هدف را هم در اختیار دولت قرار داده باشد؛ این ابزار مؤثر و کارا در اختیار داشتن زمین رایگان و اختیار مداخله در بازار است.

ادامه در صفحه ۸

خبر

رهبر معظم انقلاب در مراسم عزاداری دانشجویان به‌مناسبت اربعین حسینی:

فتح قله با استقامت

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: هم‌زمان با اربعین حسینی مراسم عزاداری با حضور جمع زیادی از هیئت‌های دانشجویی صبح روز پنجشنبه در حضور رهبر انقلاب اسلامی برگزار شد. در این مراسم در رثای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفای ایشان مرثیه‌سرایی و زیارت اربعین نیز قرائت شد. در این مراسم همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین رستمی رئیس نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها در سخنانی به تبیین رمز ماندگاری حادثه کربلا و وظیفه اربعینی رهروان آن حضرت در عصر حاضر، به ایراد سخن پرداخت. در پایان این مراسم نماز جماعت ظهر و عصر به امامت رهبر انقلاب برگزار شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان کوتاهی در میان دو نماز، هریک از مجالس عزاداری و توسل به امام حسین (ع) را زمینه اتصال و ارتباط با نور لایزال معنویت و مشعل فروزان حسینی و راهگشا خواندند و تاکید کردند: مهم‌ترین موضوع، حفظ این اتصال و ارتباط با صراط مستقیم است که لازمه آن اراده و استقامت است. ایشان خاطرنشان کردند: اگر استقامت کردید، قله را فتح خواهید کرد و به قله حاکمیت دین خدا و حاکمیت حق و عدل خواهید رسید. رهبر انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه جوانان مایه امید هستند، به حضور پرشکوه مردم به‌ویژه جوانان در راهپیمایی اربعین از نجف تا کربلا و همچنین در دیگر شهرهای کشور اشاره کردند و خطاب به جوانان گفتند: همان‌گونه که در مسیر راهپیمایی اربعین با استحکام حرکت کردید، در راه حاکمیت توحید نیز مستحکم و همراه با اراده باشید و همیشه حسینی زندگی کنید و حسینی بمانید.

یادداشت

جمهوری تالش - مغان و ۳۰ سال مبارزه

تنش در روابط باکو- مسکو به دلیل فعالیت تالش‌ها

انجمن‌های تالش ساکن در روسیه در روز هفتم آگوست با شرکت برخی مقامات روس سی‌امین سالگرد تأسیس جمهوری تالش مغان را در شهر یوکاترینبورک جشن گرفتند. سخنرانان این همایش زابیل محرم‌زاده، الشن حسن‌اف، ظهرالدین ابراهیمی و ایگور والودین (مقام روس) و ایلیا زاخارف (مقام روس) بودند. در این مراسم بر نقض سیستماتیک حقوق تالشان در سه دهه اخیر، نفی نژادی زبانی تالشان، شکنجه و قتل عام رهبران تالش، لزوم استمرار حرکت مدنی فرهنگی تالشان تا احقاق حقوقشان در جمهوری تأکید شد. دیاسپوریای تالش شانزدهم مردادماه امسال سی‌امین سالگرد تشکیل جمهوری خودمختار تالش - مغان را در روسیه جشن گرفت که در رسانه‌ها و محافل سیاسی و فرهنگی این کشور و کشورهای حوزه قفقاز ازجمله جمهوری باکو بازتاب وسیعی پیدا کرد. پیش از این، مراسم بزرگداشت ژنرال اکرم همت‌زاده بنیان‌گذار این جمهوری در آخرین روزهای زمستان سال گذشته در دانشگاه تهران نیز با واکنش تندی از سوی رسانه‌های باکو مواجه شده بود اما روسیه یک گام فراتر گذاشت و عملا اجازه جشن سالگرد تشکیل جمهوری تالش - مغان را صادر کرد و نمایندگان دولتی نیز در این مراسم به سخنرانی پرداختند.

زابیل محرم‌اف فعال رسانه‌ای تالش در مسکو که برای سخنرانی درمورد مبارزه و شخصیت همت‌زاه به تهران نیز دعوت شده بود، به روزنامه ایران گفته است: «ما اگرچه شهروند روسیه هستیم اما خود روس‌ها ما را به عنوان ایرانی می‌شناسند. ما رهبر ایران را رهبر خودمان و رئیس‌جمهور ایران را رئیس‌جمهور خودمان می‌دانیم و تلاش می‌کنیم مثل یک پل بین روسیه و ایران نقش بازی کنیم. رفته‌رفته اعتماد هر دو طرف به ما جلب شده و حالا هم روسیه و هم ایران می‌خواهند که نقش پررنگ‌تری در این زمینه داشته باشیم. گذشته از این روس‌ها می‌دانند ما در جمهوری باکو چقدر مورد ستم بوده و هستیم و پس از فروپاشی جمهوری تالش - مغان چه بدبختی‌هایی که نکشیده‌ایم. برای همین احترام ما را نگه می‌دارند و به ما لطف بیشتری نسبت به سایر گروه‌های قومی یا مهاجران دارند. به عنوان مثال سال گذشته برای برگزاری عید نوروز محدودیت قائل شده بودند که اقوام مختلف جغرافیای ایران فرهنگی با پرچم خودشان در مراسم شرکت نکنند اما به ما این اجازه داده شد».

محرم‌اف پرچم و سرود ملی تالش - مغان را نوعی تقابل با حاکمیت جمهوری باکو می‌داند و تأکید می‌کند: «خیلی‌ها به من می‌گویند کاش تالش‌های تالشستان باکو می‌توانستند جمهوری تالش - مغان را حفظ کنند و کشور خودشان را داشته باشند. اما من در پاسخ به این دوستان می‌گویم که کشور ما ایران است و ما نیازی به کشور دیگری نداریم. همان وقت هم که جمهوری تالش - مغان با مرکزیت لنکران تشکیل شد، درنهایت خواستار پیوستن به ایران بود».

اسماعیل شعبان‌اف، رئیس دیاسپوریای تالش و دستیار اقوام پوتین نیز روی دو مفهوم «شیعه» و «ایرانی» تأکید می‌کند و می‌گوید: «ما شیعه ایرانی هستیم و مقامات روسیه هم ما را با همین هویت و شهروند ایرانی می‌شناسند. ما مقلد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هستیم و دولت ایران را دولت خودمان می‌دانیم. خب از طرف دیگر شهروند روسیه‌ایم و اینجا زندگی می‌کنیم. این یک موقعیت عالی برای ما تالش‌های مقیم روسیه است که پس از فروپاشی جمهوری تالش - مغان توسط حیدر علی‌اف به اینجا پناه آورده‌ایم. موقعیتی که به ما اجازه می‌دهد هرچه بیشتر در نزدیک‌کردن دو کشور بزرگ ایران و روسیه نقش بازی کنیم. جشن ۳۰سالگی جمهوری تالش - مغان هم در همین چارچوب گرامی داشته شد». «ایگر والرویچ والودین» رئیس پارلمان یکاترینبورگ و «ایلیا زاخارف» نماینده استانداری یکاترینبورگ دو مسئول دولتی روسیه به نمایندگی از دولت در این مراسم شرکت و سخنرانی کردند. به‌علاوه خود شعبان‌اف رئیس دیاسپوریای تالش به عنوان دستیار پوتین در حوزه اقوام نیز جایگاه و نقش جالب توجهی در این زمینه دارد. در این مراسم ایگر والرویچ والودین رئیس پارلمان یکاترینبورگ روز خودمختاری تالش‌ها را تبریک گفت و عنوان کرد برخلاف قوانین بین‌المللی تالش‌ها را کشتند، آواره کردند و این جمهوری را برچیدند. حکومت روسیه از تالش‌ها حمایت می‌کند و آنها می‌توانند آزادانه فعالیت کنند. رویکرد جدید ایران و روسیه نسبت به تالش‌های جمهوری باکو بسیار مهم، قابل تأمل و نیازمند تحلیل است. این روند اگرچه کند اما حساب‌شده و در واکنش به نقشه‌های فرامنطقه‌ای برای قفقاز می‌تواند باشد. چنانچه برخی کارشناسان غیرایرانی آن را پاسخی معنادار به ناتو و اسرائیل و کارپردازان آنها یعنی ترکیه و باکو دانسته‌اند. پاسخی که می‌شود آن را این‌طور تأویل کرد: «اگر قرار باشد پای نیروهای فرامنطقه‌ای و سلفی‌ها به قفقاز باز شود، ما و ایران بدمان نمی‌آید که بار دیگر مرز خاکی داشته باشیم و در قفقاز همسایه شویم». وزارت خارجه جمهوری باکو در اعتراض به برگزاری جشن ۳۰سالگی تالش - مغان نامه‌ای رسمی به دولت روسیه نوشت که با کم‌محلی روسیه روبه‌رو شد. روزنامه مساوات باکو این روند را خطرناک توصیف کرده و می‌نویسد: «سازماندهی این رویداد خرابکارانه و تحریک‌آمیز و شرکت ایگور ولودین رئیس دومای شهر یکاتریبورگ به عنوان میهمان برنامه غیرقابل قبول است. این اقدام نماینده حزب حاکم باعث تشویق تجزیه‌طلبی می‌شود و به روابط ائتلاف میان آذربایجان و روسیه صدمه می‌زند». علاوه بر دعوت نیروهای فرامنطقه‌ای به قفقاز از سوی باکو، رویکرد این کشور در قبال جنگ روسیه و اوکراین نیز دور از چشم روس‌ها نمانده و باکو را به یک همسایه غیرقابل اعتماد تبدیل کرده است. بر همین اساس وزارت خارجه روسیه تاکنون هیچ پاسخی به باکو نداده است. گفتنی است پس از فروپاشی شوروی و در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۳ جمهوری خودمختار تالش - مغان با برگزاری انتخابات مجلس محلی در آستارا، لنکران، ماساللی، لریک، یاردیملی، جلیل‌آباد و بیله‌سوار مرزهای جمهوری اسلامی ایران به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد. علی اکرم همت‌اف بنیان‌گذار جمهوری تالش - مغان که بعد از ابطال شهروندی و مهاجرت به هلند نام خود را به همت‌زاده تغییر داد، پس از روی کار آمدن حیدر علی‌اف و به درخواست وی، برای اعزام نیرو به جنگ قره‌باغ موافقت کرد. اما درست زمانی که نیروهای تالش روانه جبهه شده بودند، نیروهای حیدر وارد لنکران شده و این جمهوری را برچیدند و حالا پس از گذشت ۳۰ سال تالش‌ها توانسته‌اند نگاه قدرت‌های منطقه را به خود جلب کرده و نامطمئن‌بودن حاکمیت باکو را به اثبات برسانند. آیا این روند می‌تواند پرشتاب‌تر شود؟